



کارگاه‌های دیزی‌سازی در روستای زکریا

به خاطر نبود سنگ هر کاره، رونق گذشته را ندارد

تعطیلی معادن دستمان را بسته

اوایل انقلاب قرار بود این صنعت را توسعه دهند، چون صنعتی است که به لحاظ کمیابی آن در دنیا با ارزش نفت ایران برابری می‌کند اما هیچ شخصی و مسئولی به این صحبت رسیدگی نکرد و سال‌ها در پس هم بدون حمایت از این صنعت کوچک اما پرارزش گذشت

از کودکی سروکارم با سنگ است

استاد سنگ تراشی که این هنر را به احمد فولادی و شاگردان بسیار دیگری آموخته است، علی اصغر مشکانی نام دارد؛ شهروند ۵۵ ساله محله رضاشهر که از کودکی در معدن سنگ پدر خود، محمدرضا مشکانی در همین حوالی فعالیت داشته و در سن ۱۷ سالگی هم پیشه‌اش را به سنگ تراشی تغییر می‌دهد. او در آن سنین جوانی کار را با شاگردی یاد می‌گیرد و از ۱۵ سال پیش می‌تواند کارگاهی برای خود داشته باشد و به عنوان استادکار سنگ تراشی، ساخت آثار سنگی تزئینی را به دیگران نیز آموزش دهد. آن طور که مشکانی می‌گوید تاکنون بیش از ۵۰ شاگرد را در عرصه سنگ تراشی تربیت کرده که بیشتر آن‌ها برای خود کارگاه دارند و مشغول فعالیت هستند: «پدرم بچه‌هایش را با نانی که از کار سخت در معدن به دست می‌آورد، بزرگ کرد و وقتی هم که قرار بود برای خود پیشه‌ای داشته باشیم، همراه

آزیتا حسین زاده عطار - خیابان خاقانی را تا انتها پیش می‌رویم. در آن سوی بولوار نماز و پس از طی مسیری خاکی به روستای زکریا می‌رسیم؛ روستایی در حد فاصل بولوار نماز و بولوار در حال تأسیسی دیگر که بومیان می‌گویند قرار است نامش «خلیج فارس» باشد. قطعاً با این اتفاق زمین‌های این روستا و حوالی آن با قرار گرفتن میان دو بولوار آباد و گرانقیمت‌تر خواهد شد و زندگی روستائیان که تمام آب مصرفی‌شان برای ۴۰، ۵۰ خانوار ساکن در این روستا به یک پشکه ۵ هزار لیتری برای هر روز می‌رسد و بسیاری از امکانات اولیه زندگی را ندارند با این اتفاق قطعاً چهره دیگری به خود خواهد گرفت. قرار است گزارشی از یک کارگاه دیزی‌سازی قدیمی داشته باشیم. بهانه‌مان روز حمایت از صنایع کوچک است. در مسیر و در نزدیکی روستای زکریا به دیزی‌سازی برمی‌خوریم. احمد آقا مغاز داشت تعطیل است و تنها نشانی که از او یافت می‌شود، شماره تماس روی دیوار هر کاره‌سازی است. با او تماس می‌گیریم و از قصدمان برای تهیه گزارشی می‌گوییم. او با وجود اینکه شغلش همین است، رسم استاد و شاگردی را به جامی آورد می‌گوید: «استاد من جایی در دل آخرین معدن باقیمانده کارگاه دارد. می‌توانم شما را نزد او ببرم». دقایقی بعد چرخ‌های خودرویمان راه خاکی پشت روستا را پیش می‌گیرد و پس از عبور از بل روستا و گذر از سه راهی خاکی آن مسیر، از کوهی بالا می‌رویم و ما را به تنها معدن سنگ این حوالی و تنها معدن سنگی که هنوز تعطیل نشده است، می‌رساند. اینجا معدن سنگ حاج محمد عنایتی است؛ تنها معدن سنگی که پس از تعطیلی کل معدن‌های سنگ این حوالی تا دوسه سال پیش برای استخراج سنگ باقی مانده است. این معدن تنها معدن سنگ کشور وکل دنیا است که در حال حاضر یک ماهی است مالک آن نیز درگیر طی مراحل قانونی شکایت از کسانی است که می‌خواهند آن را تعطیل کنند. روستائیان می‌گویند: «بیشتر معدن‌های سنگ هر کاره مجوزشان از مشهد بوده است و به راحتی آن‌ها را تعطیلش کردند اما محمد آقا جواز کسب را از وزارت صنایع و معادن گرفته است و برای همین تا یک ماه پیش آستانه نتوانست آن را تعطیل کند. الان هم محمد آقا شکایت کرده و در این مدت هر روز در پی یافتن راهی قانونی برای حل این مشکل است؛ آخر اگر این معدن نیز نباشد کل این سنگ که تنها از فاصله ۱۵ کیلومتری کوه‌های خلیج تاروستای چهار چشمه این سنگ خاص را دارد، دیگر استخراج نخواهد شد و بخشی از صنعت سنگ تراشی خراسان است، از بین خواهد رفت. گزارش پیش رونقی است بر شرح حال تنها بازماندگان هر کاره‌سازی در این قسمت شهر.